

نقد ادعای تحریف قرآن در آثار مستشرقان؛ با تکیه بر آراء آیت

الله فاضل لنکرانی*

سید احمد میرخلیلی** و باقر ریاحی مهر***

چکیده

یکی از شبهات مطرح شده درباره قرآن، تحریف این کتاب آسمانی می‌باشد. این مسئله از قرن یازدهم قمری در بین برخی از اندیشمندان مسلمان مطرح شده و خاورشناسان نیز به آن دامن زده‌اند. به نظر می‌رسد ریشه اصلی این شبهه روایات ضعیفی است که در برخی کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی وجود دارد. در این نوشتار که تازه‌ترین پژوهش در این زمینه به شمار می‌رود، با بهره‌جستن از روش تحلیلی - توصیفی و انتقادی تلاش شده است، شبهات مستشرقان درباره تحریف قرآن تبیین، و با تکیه بر آرای آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی؛ بررسی و نقد گردد. بررسی مجموعه داده‌های تاریخی و آگاهی‌های موجود نشان می‌دهد که گروهی از مستشرقان هم‌چون: نولدکه، گلدزیهر و بول، شیعیان را به اعتقاد به تحریف قرآن متهم نموده‌اند. اما روشن است که این دسته از روایات، نمی‌تواند دلیل مستندی بر تحریف قرآن قرار بگیرند و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها ساختگی می‌باشند. آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی؛ بر این باور است آیات قرآن، چینش خود را در مصحف موجود کاملاً حفظ کرده است، و بدین رو هیچ مانع و شبهه‌ای برای تمسک به آیات الهی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، شبهات تحریف، روایات تحریف، آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی، مستشرقان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸.

** استادیار دانشگاه میبد: dmirkhalili@gmail.com

*** دانش‌آموخته دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): Dr.riahi@chmail.ir

مقدمه

مستشرقان از منظرهای مختلف و با انگیزه‌های متفاوت در مورد قرآن تحقیق کرده‌اند. یکی از مسائلی که خاورشناسان به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند مسئله تحریف قرآن است. بررسی این رویکرد زمینه مناسبی است در پاسخ دهی به این مسائل که انگیزه و هدف اصلی مستشرقان چیست؟ اندیشه تحریف چه بازخوردی در میان اندیشمندان مسلمان داشته است؟ روش مستشرقان، محققانه و با مراجعه به منابع اصیل و درست اسلامی بوده و یا با نگاهی سطحی و متأثر از منابع غیر موثق به آن پرداخته‌اند؟ ... بررسی این مسائل بدون تردید در فهم نوع نگاه مستشرقان به مسئله تحریف و حل تعارضات برگرفته از منابع غیر صحیح اسلامی بسیار راه‌گشا می‌باشد و نقطه عطفی در مواجهه غرب با قرآن است.

از همان صدر اسلام غیر مسلمانان با القای شبهه و فتنه اندوزی در صدد ضربه زدن به اسلام بودند. نگاه مسالمت آمیز اسلام به غیر مسلمانان و پذیرش آنان در جامعه اسلامی و از سوی دیگر وجود مخالفانی چون یهودیان، مشرکان و منافقان این فرصت را برای آن‌ها ایجاد کرده بود تا با شناخت نقاط ضعف و حساس مسلمانان و با روش‌هایی چون القاء شبهه، مخالفت و مواردی از این قبیل در صدد رسیدن به اهداف خود باشند. آن‌ها به مرور، مبانی و اصول مورد اتفاق مسلمانان را زیر سوال برده و به یکی از اساسی‌ترین مبانی معرفتی مسلمانان، یعنی اصالت و حیانی متن قرآن حمله‌ور شدند و در این راه از شگردهای مختلفی چون القاء شبهه، جعل و تحریف، انکار وقایع تاریخی و مجادله بهره بردند.

این رویاروی در دوران معاصر شکل جدیدی به خود گرفته و در مراکز و مؤسسه‌های مطالعاتی شرق شناسی برخی مغرضانه و برخی دیگر با نگاهی منصفانه به این مسئله پرداخته‌اند. شاید بتوان رسمیت این نوع اقدامات را از زمان پیدایش پژوهش‌های قرآنی تنودور نولدکه (Theodor Noldeke) آلمانی، رژی بلاشر (Regis Blachere) فرانسوی و گلدزیهر (Ignaz Goldziher) یهودی دانست (رضوان، آراء مستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۴۱۳: ۱/۴۰۷).

از این‌رو این نوشتار درصدد است تا به بررسی آرای مستشرقان و نقد آن در جهت مذکور بپردازد. دو پرسش اساسی پیش رو عبارتند از:

۱. آرای مستشرقان درباره تحریف قرآن چیست؟

۲. شبهات تحریف قرآن با تأکید بر بیانات آیت‌العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله، چگونه قابل نقد و

ارزیابی است؟

مفهوم‌شناسی

۱- تحریف در لغت

تحریف مصدر ثلاثی مزید باب تفعیل از ریشه «حَرَفَ» به معنی مرز، جانب و کناره است (جوهری، صحاح اللغة، ۱۴۰۷: ۱۳۴۲/۴) اربابان لغت بر این باورند که تحریف به معنای از چیزی به چیزی عدول کردن و از جایگاه اصلی خود کج کردن و به سوی دیگر بردن است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۳/۹؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ۱۳۹۹: ۳۶۹/۱؛ فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۲۲: ۱۳۰/۲).

۲- تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح قرآن‌پژوهان، به این معناست که اگر چیزی یا کلمه‌ای، در غیر از مورد و معنای اصلی خودش، به کار رود، این عمل را نوعی از تحریف می‌گویند که در آیه ۴۶ سوره نساء نیز چنین آمده است: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرُفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»؛ «گروهی از یهودیان گفتار خدا (تورات) را تغییر داده و تحریف می‌کنند»، تحریف در اصطلاح، علاوه بر تحریف در معنای اصلی که شامل بدعت و تحریف در تفسیر غلط از آیات قرآن کریم می‌باشد، شامل تحریف در حروف و حرکات نیز می‌باشد که معنای آن هیچ‌گونه تغییری نکند که به تعدد قرانات منجر می‌شود (معرفت، صیانه القرآن، ۱۳۸۰: ۱۹۲؛ خوبی، البیان، ۱۳۹۴؛ فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۲۱۴).
بر این اساس به نظر می‌رسد مفهوم تحریف به کنار بردن و به گوشه کشاندن خواهد بود، از این رو تحریف گفتار به این معناست که با تغییر و جابه‌جا کردن کلمات و جملات یا تفسیر نادرست، مفهوم مورد نظر متکلم را از بستر صحیح و مطلوب خارج ساخته و به مفهومی کناره بکشاند که در حاشیه معنای اصلی جای داده باشند و آن را از جایگاه مخصوص تغییر می‌دهند.

رویکرد قرآن‌پژوهان مسلمان نسبت به تحریف قرآن

قرآن‌پژوهان مسلمان، همواره سعی در دفاع از قدسیت و شأن قرآن داشته و هم راستای با طرح‌های بی‌شمار دشمنان در ترویج شبهات، با ارائه پاسخ‌های مناسب با آن مقابله کرده‌اند. اما در این میان گاه برخی از اندیشمندان مسلمان، فارغ از مذاهب شیعه و سنی، با توجه به تفاوت در مبانی روش‌شناختی (اخباری و اصولی)، با ارائه دیدگاه‌ها و نظریاتی، شبهات تحریف قرآن را خواسته یا ناخواسته، تقویت کرده‌اند. در عین حال، تألیفات و پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان، در نفی تحریفات قرآن کریم، سدی غیرقابل نفوذ در مقابل جبهه دشمنان ایجاد کرده است. با

تعمق در منابع اسلامی می توان دریافت که قرآن پژوهان مسلمان، همگی بر این مطلب صحه گذاشته اند که قرآن از هرگونه تحریف مصون می باشد و حتی ادعای آن را نیز کذب دانسته اند، همان گونه که شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات، اعتقاد به تحریف را نسبت به شیعه کذب دانسته و فرد مدعی را دروغ گو قلمداد نموده است (صدوق، الاعتقادات، ۱۴۱۹: ۸۴) و علامه شعرانی نیز قائل به تحریف را سفیه و نادان معرفی نموده است (شعرانی، مقدمه منهج الصادقین، ۱۳۴۷: ۱/۱۴). و این قضیه مورد اجماع اندیشمندان مسلمان بوده است و علمای بزرگی چون علامه حلی، شیخ طبرسی، ملاصدرا، شیخ مفید، شیخ طوسی، امام خمینی، علامه طباطبایی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله معرفت و... همگی بر صدق این ادعا که قرآن مصون از تحریف بوده، گواهی داده اند (معرفت، صیانه القرآن من التحریف، ۱۳۷۹: ۱۸-۲۳؛ نجارزادگان، تحریف ناپذیری قرآن، ۱۳۸۶: ۱۸-۲۳؛ موسوی دارابی، نصوص فی علوم القرآن، ۱۳۸۵: ۴؛ فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

رویکرد قرآن پژوهان غرب نسبت به تحریف قرآن

گروهی از خاورشناسان با تکیه بر شواهد نقلی و تاریخی قائل به تحریف قرآن شده اند. مراحل تاریخی جمع و کتابت قرآن و شکل گیری مصاحف مختلف و قرائات گوناگون عمده مستندات این ادعاست (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، ۱۴۱۳: ۱/۴۰۸).

۱. نولدکه قرآن پژوه آلمانی در کتاب «تاریخ قرآن» قرآن را منبع مستقلی ندانست و آن را مقتبس از منابع یهودی و مسیحی می داند (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۰۰۴: ۱/۹۷، ۱۶) او علت تحریف قرآن را عدم تکمیل تدوین قرآن در زمان پیامبر دانسته (همان) و این پندار را در قالب حذف و زیادت سوره ها در مصاحف و اختلاف قرائات گوناگون بررسی کرده است. برای نمونه وی درباره مصحف ابو موسی اشعری گفته است: «ما از نسخه ابو موسی چیزی نمی دانیم جز همین مواردی که در اتقان سیوطی آمده و این که او سوره هایی را از نسخه آبی به قرآنش ضمیمه کرد و روایاتی که از وجود دو آیه که فقط در مصحف او آمده، سخن می گویند» (همان، ۲/۲۶۱).

نولدکه در باره دیدگاه شیعه نسبت به مصحف رایج می نویسد: «شیعیان مصحف عثمانی را کتابی مقدس به شمار آورده و تا امروز از آن استفاده می کنند. آنان این مصحف جز جایگزینی موقتی تا زمان حکومت امام مهدی علیه السلام نمی شمارند» (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۰۰۴: ۲/۳۲۳). از نظر وی شیعیان شمار زیادی از موارد تحریف را قبول دارند که شامل سوره، عبارات و کلمات می باشد (همان، ۲/۳۲۲).

او شیعه را متهم به افزودن الفاظی چون «علی» یا «آل محمد» به قرآن نموده است (همان، ۲/ ۳۲۶). وی در دایرة المعارف اسلام در ذیل مدخل «قرآن» به صراحت گفته است: «أنه مما لاشك فيه أن هناك فقرات من القرآن ضاعت» (علی الصغیر، دراسات قرآنیة، ۱۴۱۳: ۳۰).

آقای دکتر عباس أرحیله می نویسد: «روشن است که نولدکه در تثبیت مسئله تحریف در اندیشه استشراقی سهم عمده ای داشته است و طریقی را در برابر تحریف قرآن گشوده است» (همان، ۲۷).
 ۲. گلدزیهر از خاورشناسان یهودی مجاری الأصل در اکثر آثار مکتوب خود، قائل به تحریف قرآن شده است. او در اثر معروف خود «مذاهب التفسیر الإسلامی» به بررسی تفاسیر شیعی پرداخته و همواره اعتقاد به قرآنی متفاوت با مصحف عثمانی دارد (پورطباطبایی، قرآن پژوهی گلدزیهر، ۱۳۸۶: ۲۱۰) او با دست آویز قرار دادن پدیده اختلاف قرائات در دیباچه کتاب خود می گوید: «هیچ کتاب آسمانی یافت نمی شود که گروهی از روی عقیده بر وحی بودن متن آن و نزولش از آسمان اصرار داشته باشد با این حال از آغاز دوران ظهورش تاکنون دچار چنین آشفتگی و بی ثباتی ای - بدان گونه که در قرآن سراغ داریم - شده باشد» (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴: ۴).

وی سعی می کند با نسبت دادن کوتاهی و بلندی سوره هایی چون نور و حجر و احزاب به شیعه تحریف را مستندسازی کند. به عنوان نمونه ادعا دارد که نسخه هایی از قرآن در کتابخانه بانکی بور هندوستان وجود دارد که شامل سوره هایی است که در مصحف عثمانی ساقط شده بود؛ سوره نورین (شامل ۴۱ آیه) منتشر شده توسط جارسان دی ساتی سوره ولایه با هفت آیه که کلیرتدال همه را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

۳. رژی بلاشر فرانسوی در اثر قرآنی معروفش «در آستانه قرآن» به بررسی سیر تدوین و نقل شفاهی قرآن و مسئله نقصان رسم الخط موجود در عربستان پرداخته و با توجه به این مسائل قائل به تاخیر افتادن زمان کتابت قرآن - که از آن به «تضمین کتابت قانون جدید» یاد می کند - شده است. و با اشاره به دوران پس از هجرت به مدینه در سال ۶۲۲م، یعنی زمانی که هم مسلمانان در تماس با جوامع یهودی بودند و هم کتابت هایی چند در زمان رسول خدا شکل گرفته بود، در صدد دست یابی به این نتیجه است که به کتابت درآوردن وحی در حیات پیامبر شامل تمام متن نبوده و احیاناً دست خوش احتمالات و تصادفات شده است (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴: ۳۰).

او در بخشی از کتابش انتقادات مربوط به متن مصحف را بیان کرده است؛ مثلاً در موردی به مطابق نظر متکلمان معتزله مبنی بر عدم سازگاری سرزنش های قرآن و نفرین ها علیه دشمنان شخصی پیامبر با عظمت وحی الهی اشاره کرده است؛ به همین منظور نمی توان آن ها را وحی الهی

دانست. در موردی نیز عقیده فرقه‌ای از ملحدان خارجی (معتزلی‌های خوارج) یعنی عجارده در مورد اعتقاد به قرآنی نبودن سوره یوسف از آن جهت که یک داستان عشقی نمی‌تواند جزوی از قرآن باشد (همان، ۲۰۸). البته او پس از ذکر این انحرافات فرقه‌ای قاطعانه نظر داده که در حقیقت نه انتقادات معتزلی یا خارجی و نه انتقادهای بعضی از شیعیان هیچ کدام نمی‌تواند عظمت و شکوه ایمانی را به نسبت به قرآن متزلزل سازد (همان، ۲۱۱).

هم چنین در مورد زیادی و کمی سوره‌ها و آیات قرآن کریم شواهدی را ذکر می‌کند و دیدگاه‌های گلدزیهر ریچارد بل، شوالی، و نولدکه را در مورد جابه‌جایی برخی آیات را متذکر می‌شود (همان، ۲۱۵-۲۱۷)، در مواردی هم اتهام تحریف به شیعیان می‌زند به این دلیل که آن‌ها درصدد یافتن آیاتی در قرآن هستند که حاکی از اولویت حضرت علی علیه السلام و اولاد اوست. و چون در قرآن چنین آیاتی کمیاب است تنها دلیل آن حذف این آیات از قرآن است (همان، ۲۴۳).

۴. بول نیز قائل به تحریف قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (علی الصغیر، دراسه القرآنیه، ۱۴۱۳: ۱۶/۱). او از آن جهت که از افشای تحریف کتاب‌های انجیل و تورات توسط قرآن خشمگین بود، سعی کرد این اتهام را به خود قرآن باز گرداند؛ از این رو گفت: «شیعیان اصرار دارند که اهل سنت آیاتی از قرآن را که مؤید مذهب شیعه است، حذف نموده‌اند؛ چنان که اهل سنت همین ادعا را نسبت به شیعه دارند». آقای محمد حسین علی الصغیر در کتاب «تاریخ القرآن» نقد مفصلی بر مقاله بول مبنی بر علمی نبودن تحقیق وی مطرح کرده که خواندنی و شایسته بررسی می‌باشد.

۵. جان برتون صاحب کتاب «جمع و تدوین قرآن» معتقد است که منشأ پیدایش روایات مربوط به جمع آوری قرآن، منازعات دانش‌مندان اصولی بر سر اعتبار دو منبع اصلی فقه (سنت نبوی و قرآن) و موضوع نسخ قرآن بوده است. و باور دارد که فقهای مسلمان نیازمند متنی نیمه تمام و ناقص از قرآن بودند؛ چرا که با اعمال و احکامی فقهی جدی‌ای روبه‌رو بودند که هیچ مبنای قرآنی نداشت و به همین دلیل، مورد اختلاف و نزاع قرار گرفته است؛ لذا ایشان برای حفظ این اعمال مدعی شدند که مبنای این احکام وحی‌هایی است که در قرآن نوشته نشده است (برتون، جمع قرآن، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

۶. هانری ماسیه نیز قائل به حذف مواردی از قرآن است که در کتاب «الإسلام» منعکس کرده است. مثل انکار قرآنی بودن سوره یوسف و یا مطابق نظر شیعه حذف آیاتی از قرآن توسط خلفا که مربوط به اهل بیت بوده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۵: ۲/۲۲).

۷. هرشفلد، مستشرق انگلیسی، نیز قائل به اضافه کردن آیه ۱۴۴ سوره آل عمران به قرآن است به این دلیل که همه آیات قرآن که در آن نام محمد آمده، بعداً ساخته شده است (آل عمران/۱۴۴؛ احزاب/۴۰؛ محمد/۲؛ فتح/۲۹). البته قبل از وی، سیلوستر ری ساسی خاورشناس فرانسوی نسبت آیه ۱۴۴ سوره آل عمران شک کرد؛ هر چند که پس از وی ویل در هایدلبرگ این رأی را گرفت و آن را به آیه ۱۸۵ آل عمران و ۳۰ زمر گسترش داد. ری ساسی ابوبکر را مسبب این کار می‌دانست؛ به این دلیل که عمر رحلت پیامبر را باور نداشت تا آنکه ابوبکر هر دو آیه ۱۴۴ سوره آل عمران و ۳۰ سوره زمر را بر او خواند (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۰۰۴: ۲/۳۱۱-۳۱۳). همین برداشت را نیز کازانوف، مستشرق فرانسوی، در کتاب «محمد و پایان جهان» مدعی شده که انتساب این دو آیه در قرآن به وحی الهی مشکوک است و به نظر می‌رسد که ابوبکر آن‌ها را اضافه کرده است. یکی آیه «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ» (زمر/۳۰-۳۱) و دیگری آیه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ» (آل عمران/۱۴۴).

قابل ذکر است که این افراد به جهت پیش داوری‌ها و اطلاعات ناقص خود از حوادث تاریخی صدر اسلام، گفتار ابوبکر در ائعاع عمر با ذکر آیه «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» را دلیل بر دخالت مستقیم وی در تحریف قرآن دانسته‌اند. در حالی که هیچ مفسری ابوبکر را به افزودن کلامی به قرآن متهم نکرده است. آن چه که هرشفلد گفته، بافته‌های ذهن او بوده و بدون دلیل و سند است؛ زیرا چگونه ممکن است که نام محمد ﷺ به قرآن اضافه شود، ولی صحابه‌ای که «أَنَاجِلُهُمْ صُدُورُهُمْ» و متعهد به حفظ و فراگیری قرآن بودند، دم فرو بندند و واقعیت قرآنی بودن همه آیات را به پنداری خفیف و سخیف بفروشند (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۲۶۸).

بررسی شبهات تحریف قرآن کریم

در این قسمت از نوشتار حاضر، با توجه به مطالب مطرح شده در قسمت قبلی، به ارائه شبهات مستشرقان درباره تحریف قرآن خواهیم پرداخت و با تکیه بر نظرات آیت الله فاضل لنکرانی در مقام پاسخ‌گویی به این شبهات بر خواهیم آمد:

- امکان تحریف قرآن با استدلال به تحریف تورات و انجیل

یکی از شبهاتی که در مورد تحریف قرآن مطرح است، این است که همان‌گونه که در تورات و انجیل تحریف صورت گرفت، در مورد قرآن نیز حادث شده است و همان سرنوشتی که امت‌های گذشته به آن مبتلا شده‌اند، در مورد امت اسلام نیز رخ خواهد داد. محدث نوری در کتاب فصل الخطاب، به چند آیه قرآن^[۱] که ابتلاء امت‌ها به سرنوشت امت‌های سابق را متذکر شده است، استناد

کرده و می‌گوید: تعدادی از مفسران، آیه ۱۹ سوره انشقاق را این گونه تفسیر کرده‌اند که شما مسلمان‌ها نیز به حوادث امت‌های پیشین دچار می‌شوید. و در این راستا به چند روایت اشاره کرده است:

۱. علی بن ابراهیم، در تفسیر قمی (قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴: ۲/۴۱۳)، در ارتباط با آیه «لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» می‌نویسد: پیامبر فرمودند: امت اسلامی به همان راهی خواهد رفت که امت‌های پیشین رفتند و دقیقاً دچار همان مسائلی می‌شوند که آن‌ها شدند، و اگر امت‌های پیشین وارد سوراخ شغال نیز شده باشند، شما نیز وارد آن خواهید شد.

۲. شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین و اتمام النعمة» از علی بن احمد الدقاق از محمد بن ابی عبدالله الکوفی از موسی بن عمران النخعی از عمویش حسین بن یزید نوفلی، از غیث بن ابراهیم و او از امام صادق علیه السلام و ایشان از امام باقر علیه السلام تا رسد به پیامبر که فرمودند: هر آن چه در مورد امت‌های گذشته رخ داده، در مورد مسلمانان نیز دقیقاً روی می‌دهد.

۳. علامه مجلسی در بحار الانوار می‌فرماید: از این دسته روایات متواتر برمی‌آید که هر آن چه در مورد امت‌های گذشته رخ داده، در مورد مسلمانان نیز به وقوع می‌پیوندد، شیخ صدوق نیز در کتابی به نام «حذوالنعل بالنعل» این موضوع را به رشته تحریر درآورده و شیخ حرعاملی نیز در کتاب «ایقاظ الهجعه فی اثبات الرجعه» می‌نویسد: تمام مسلمانان به این موضوع اجماع دارند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۵۷-۳۵۹).

گلدزیهر نیز در رابطه با احتمال تحریف قرآن هم چون سایر کتاب‌های آسمانی می‌گوید: هیچ کتاب تشریحی که به باور قلبی یک گروه دینی، وحی آسمانی باشد وجود ندارد به گونه‌ای که از زمان‌های دیرین به صورت ثابت و تغییری نایافته باقی مانده باشد. چنان که نص قرآن نیز دچار دگرگونی و بی‌ثباتی شده است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴: ۴).

در پاسخ به شبهه فوق که تحریف قرآن نیز از جمله آن اموری شده است که طبق تحریفی که در مجموعه عهد قدیم و جدید رخ داده، در قرآن نیز حادث خواهد شد، ابتدا به شرحی از عهدین خواهیم پرداخت که اصولاً آیا این مجموعه کتاب‌های که از ناحیه خداوند صادر شده، دست‌خوش تحریف شده و یا اینکه کتابی منتسب به پیامبران حضرت موسی و عیسی علیهما السلام نوشته شده و ادعای تحریف بر آن حمل شده است.

عهد قدیم مشتمل بر ۳۹ کتاب است که تاریخ نگارش آن به تقریباً پنج قرن بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام می‌رسد. و این مجموعه، در نه قرن بر اساس حکایات و داستان‌های رایج نوشته شد، و اساس اسفار پنج‌گانه که به حضرت موسی علیه السلام نسبت داده می‌شود، حدود قرن دهم قبل از

میلاد، نگارش شده است و در زمان‌های بعد روایات کاهنان به آن افزوده شده است (بوکای، عهدین و قرآن و علم، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۸). عهد عتیق به عنوان یک اثر ادبی برای یهودیان خودنمایی می‌کند که در بردارنده زندگی آنان از ابتدا تا زمان تولد حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد. و یکی از نشانه‌هایی که ثابت می‌کند تورات بعد از حضرت موسی نوشته شده، اشاره به نام شهرهایی است در تورات، که تا بعد از زمان حضرت موسی علیه السلام نیز ساخته نشده بود و نیز در آن از حضرت موسی علیه السلام به عنوان پیامبری که قرن‌های قبل از دنیا رفته سخن می‌گوید (وجدی، دایرة المعارف القرن العشرين، ۱۴۲۱: ۹/۵۵۳-۵۵۴).

عهد جدید نیز ۲۷ کتاب و نامه دارد که انجیل‌های چهارگانه معروف جزئی از آن به شمار می‌رود و بعد از حضرت عیسی علیه السلام، به ترتیب متی، مرقس، لوقا و یوحنا آن را نوشته‌اند، البته نکته حائز اهمیت، یونانی بودن زبان اناجیل است که این پرسش را مطرح می‌سازد که چگونه اناجیل به زبان یونانی است و آیا این نسخه‌ها ترجمه است؟ و احتمالی که وجود دارد این است که انجیل منسوب به متی که از حواریون بوده، در سال ۳۸ میلادی نگارش شده باشد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۳/۳۴۲-۳۴۵؛ هلکس، قاموس کتاب مقدس، ۱۳۸۳: ۷۸۲؛ فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ۱۳۶۴: ۲/۶۷)، و سه انجیل دیگر به ترتیب در سال‌های ۶۱، ۶۳ و ۶۹ میلادی به قلم نگارش درآمده‌اند (هلکس، قاموس کتاب مقدس، ۱۳۸۳: ۷۹۲، ۷۷۲ و ۹۶۶؛ نجار، قصص الانبیاء، ۱۳۹۲: ۴۱). پاستیس^[۲] می‌نویسد: این عهد جدید نه تألیف حضرت عیسی علیه السلام است و نه تألیف حواریون، بلکه شخص ناشناسی آن‌ها را نوشته و به حواریون عیسی علیه السلام نسبت داده است. و فخرالاسلام نیز در کتاب انیس الاعلام این مطلب را از پاستیس آورده و تأیید کرده است (فخرالاسلام، انیس الاعلام فی بصره الاسلام، ۷۲/۲).

حال، با توجه به شرحی که از مجموعه عهدین گذشت، محدث نوری با استناد به تفاسیر ذیل آیه ۱۹ انشقاق، مدعی شده است که این که امت اسلام دچار ابتلائات امت‌های پیشین می‌شود، یکی از این ابتلائات و موارد، تحریف کتب مقدس است.

آیت الله فاضل لنکرانی این چنین به شبهه فوق پاسخ می‌دهد:

الف) تواتر روایات وارده، به هیچ وجه معلوم نیست، بلکه ظاهراً روایاتی غیرمتواتر است که هیچ حجیت و سندیت علمی و عملی ندارد و در هیچ یک از کتاب‌های اربعه شیعه^[۳] نیامده است و حتی هیچ کدام از روایان، مدعی تواتر نشده‌اند بلکه نهایتاً گفته‌اند که روایات فوق صحیح می‌باشند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۵۹).

ب) مضمون این روایات حاکی از آن است که حوادث امت‌های گذشته، برای امت اسلامی نیز تا روز قیامت رخ می‌دهد، و این موضوع نشانی از تحریف قرآن ندارد، و لذا دلیل با مدعا هم‌خوانی ندارد. بر اساس این ادعا، قرآن در زمان خلفای سه‌گانه تحریف شده، در حالی که دلیل ارائه شده، مدعی بر امکان این امر تا روز قیامت است، و حتی اگر تحریف در صدر اسلام رخ داده باشد، لازمه آن این است که مطالبی هم چون تورات و انجیل به آن اضافه شده باشد، حال آن‌که فرد مدعی معتقد است که مطالبی از آن کسر شده است (همان، ۳۶۰).

ج) اگر مانند سایر موارد کلی، قائل بر امکان استثناء باشیم، این حالت هم اشکال ندارد که بپذیریم هر آن‌چه بر امت‌های گذشته رخ داده، برای این امت هم اتفاق خواهد افتاد مگر تحریف قرآن. به عبارتی عدم تحریف قرآن را به عنوان یک استثناء، جداکنیم.

رسول خدا فرمودند: حتی اگر کسی از امت‌های پیشین وارد لانه شغال شده باشد، شما نیز بدان گونه عمل می‌کنید، پاسخ داده می‌شود که این روایت با متن قرآن کریم در تعارض است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (الأَنْفَال/ ۳۳)، «ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند». طبق آیه شریفه، خداوند عذاب را از امت پیامبر برداشته، در حالی که این امر بر سایر امم قبلی وارد شده است، و هم‌چنین بسیاری از اتفاقات امت‌های گذشته، هم‌چون تولد عیسی بدون پدر مسخ شدن، سرگردانی چهل‌ساله بنی‌اسرائیل و بسیاری از موارد که بر امت‌های سابق رخ داده، و در امت رسول‌گرامی اسلام وارد نشده است که این مطلب ردی قوی و خدشه‌ناپذیر بر شبهه است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۶۰).

بررسی و نقد شبهه جمع آوری قرآن بعد از پیامبر

آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب مقدمات تفسیر، در رد این شبهه ابتدا به ذکر برخی از روایات که دلالت بر جمع آوری قرآن پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند پرداخته است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۶۶-۳۷۴)، و بالغ بر ۲۵ روایت را آورده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- نویسنده «مسند الصدیق» به نقل از زید بن ثابت می‌نویسد: به ابوبکر خبر رسید که اهل یمامه را کشته و قراء قرآن در آن سرزمین کشته شده‌اند، عمر گفت: من بیم آن دارم که قاریان در سایر بلاد نیز کشته شوند و قرآن تباہ شود، من معتقدم که باید آن را گردآوری نمود. من به عمر گفتم: چگونه کاری را انجام دهیم که پیامبر آن را انجام نداده است! عمر گفت: این کار به خدا بهتر

است. و عمر بر این مطلب آن قدر تأکید کرد که خداوند به من نیز همانند وی، سعه صدر بخشید تا با عمر هم عقیده شوم.

- از امام علی علیه السلام روایت شده که ابوبکر بیش از همه، از ارتباط با قرآن ثواب می برد، چون اولین کسی بود که قرآن را جمع آوری نمود.

- از هشام بن عروه روایت شده که گفت: پس از کشته شدن اهل یمامه، ابوبکر خطاب به عمر و زید بن ثابت گفت: بر درب مسجد بنشینید، هر کس از قرآن مطلبی ذکر کرد، به شرط داشتن دو شاهد آن را بنویسید زیرا برخی از حافظان قرآن در یمامه کشته شده اند.

- از جابر بن سمر روایت شده که گفت: از عمر بن خطاب شنیدم که می گفت: تنها باید فرزندان قریش و ثقیف مسئولیت نوشتن قرآن را به عهده بگیرند.

- از اسماعیل بن عیاش از عمر بن محمد بن زید از پدرش روایت آمده که گفت: انصار پیش عمر بن خطاب رفته و گفتند: ما می خواهیم قرآن را در یک مجموعه گردآوریم، عمر گفت: در گویش شما نوعی لهجه وجود دارد و من دوست ندارم در قرآن لهجه به وجود بیاید. و روایات دیگری که آیت الله فاضل لنکرانی در باب روایاتی که دلالت بر جمع آوری قرآن بعد از پیامبر دلالت می کنند، را آورده است.

ایشان در ادامه به بررسی و نقد این روایات پرداخته و نقدهایی بر این دسته از روایات آورده است:

الف) تضاد روایات وارده با یکدیگر

از برخی روایات برمی آید که قرآن در زمان ابوبکر گردآوری شده و وی ترس آن را داشت که قرآن تباه شود، اما در برخی دستور جمع آوری قرآن را به عمر منتسب نموده، و گفته شده، او اولین کسی است که قرآن را جمع آوری نموده است، و حتی برخی از روایات وارده نشان می دهد، سالم، خدمت کار ابی حذیفه گردآورنده قرآن است! ابن اشته در پاورقی کتاب «المصاحف» از کهمس از ابن بریده روایت کرده که گفت: سالم غلام ابی حذیفه اولین کسی بود که قرآن را جمع آوری نمود. در برخی روایات نیز اشاره می شود که زید خبر مرگ قاریان قرآن یمامه را به ابوبکر داده، بعض دیگر روایات، خبر را از عمر نقل می کند که به ابوبکر می گوید؛ و دسته ای دیگر از روایات نقل را به ابوبکر منتسب دانسته اند! و در نهایت دسته ای نیز این کار را به عثمان نسبت می دهند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۷۵-۳۷۸).

با توجه به تناقض گویی های متعدد در این باب روایات، نمی توان در مورد چنین موضوع حساسی به آن ها استناد نمود. البته در این زمینه شبهه دیگری نیز مطرح می شود که هر چند از لحاظ تواتر و وجود تضاد و تناقض، این دسته روایات را نمی توان شامل تواتر ظاهری دانست، اما

برحسب معنی دارای تواتر هستند و همگی دلالت دارند که حداقل قرآن در زمان بعد از پیامبر جمع آوری شده است. آیت الله فاضل در جواب این اشکال می نویسد: وقتی می توان به روایتی متواتر بگوییم که با واقعیت منطبق باشد و یا توسط معصوم علیه السلام ذکر شده باشد، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند، و لذا روایات مذکور نمی توانند متواتر باشند که نه از لحاظ علمی و ماهیتی تواترشان ثابت است و نه توسط معصوم بیان شده است (همان، ۳۷۹).

ب) تضاد روایات مذکور با سایر روایات دال بر جمع آوری قرآن در زمان پیامبر

آیت الله فاضل لنکرانی در این بخش، به ده دسته از روایات اشاره نموده که دلالت بر جمع آوری قرآن در زمان پیامبر می باشند که از آن جمله می توان موارد ذیل را برشمرد:

- خوارزمی در پاورقی کتاب «مناقب» به نقل از علی بن ریاح می نویسد: علی بن ابیطالب علیه السلام و ابن بن کعب، قرآن را در دوران پیامبر جمع آوری نمودند.

- حاکم در کتاب «مستدرک» به نقل از ابوبکر و عمر، و آن دو نیز به نقل زید بن ثابت، روایت کرده اند که ما نزد پیامبر قرآن را در کاغذهایی تألیف می کردیم.

- بیهقی و ابن ابی داود از شعبی، روایت کرده اند که گردآورندگان قرآن در دوران پیامبر شش نفر بودند: ابی، زید بن ثابت، معاذ، ابو درداء، سعید بن عبید، ابو زید و مجمع بن جاریه.

و سایر روایاتی که نشان می دهند قرآن در زمان پیامبر گردآوری شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ۳۸۰ - ۳۸۱).

ج) تضاد روایات با قرآن و عقل

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲) و در سوره ابراهیم نیز می فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم/ ۱)، در عرف عام، لفظ کتاب بر مجموعه ای منسجم و هماهنگ اطلاق می شود، و این مطلب خود می رساند که قرآن در زمان پیامبر به صورت منسجم و جمع آوری شده وجود داشته است (همان، ۳۸۳).

از طرفی، روایات ذکر شده با عقل نیز در تضاد هستند، زیرا دعوت اسلام از همان شروع رسالت پیامبر بر اصل نبوت و خاتمیت پیامبر بوده است، و این مطلب نشان دهنده این است که دین اسلام تا قیامت باقی خواهد ماند و پیامبری بعد از نبی مکرم اسلام نخواهد آمد، لذا بدیهی به نظر می رسد که باید معجزه ثابت و پایداری برای هدایت بشر وجود داشته باشد که نیاز بر آمدن کتابی دیگر را مرتفع سازد و الا با خاتمیت پیامبر و اعجاز قرآن در تعارض خواهد بود (همان، ۳۸۳). لذا چاره ای نیست جز آن که قبول کنیم قرآن در دوران پیامبر جمع و تألیف شده است (همان، ۳۸۴).

اشکال مهمی که در این شبهه مطرح است، خلط در فهم اصطلاح جمع آوری است. هدف از جمع آوری، تألیف و ترکیب آیات و به عبارتی دیگر، جای دادن هر آیه در محل خودش است که این امر صرفاً در حوزه اختیارات پیامبر قرار دارد. اما منظور از جمع آوری قرآن در روایات مذکور، دلالت بر این امر است که سوره‌های پراکنده نوشته شده بر روی اشیاء گردآوری شد. اما به هر صورت، جمع آوری قرآن در زمان پیامبر بدین معنا بود که دست‌یابی به تمامی قرآن امکان‌پذیر بوده است (همان، ۳۹۰). به عبارت دیگر تمام قرآن نوشته بر روی اشیاء مختلف وجود داشت و جمع آوری قرآن پس از پیامبر به معنی گردآوری آن در میان دو جلد کتاب است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۳۹۰).

د) مصحف امام علی علیه السلام

برخی نیز این شبهه را وارد ساخته‌اند، که حضرت علی علیه السلام قرآنی را جمع آوری کرده بود، که خلفای سه‌گانه آن را قبول نکردند، و قرآن ایشان، آیاتی بیش‌تر از قرآن موجود دارد، لذا خلفاء و قومش آن را نپذیرفتند، و لذا قرآن موجود در مقام قیاس با قرآن امیرالمؤمنین دارای کاستی و فزونی است که فائلین به این شبهه، به آن استناد می‌کنند. این دسته از روایات، علی‌الظاهر حکم بر جمع آوری قرآن توسط امیرالمؤمنین به صورت نسخه‌ای واحد دارند که خلفاء آن را نپذیرفتند و با نسخه‌های فعلی تفاوت دارد که از آن جمله می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

- جابر بن زید از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: امیرالمؤمنان علیه السلام هفت روز پس از وفات پیامبر در مدینه خطبه‌ای خواند و آن هنگامی بود که از جمع و تألیف قرآن بیاسود (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۸/۸).

- ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کنند: احدی از این امت، قرآن را جمع نکرده است مگر وصی حضرت محمد صلی الله علیه و آله (قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴: ۴۵۱/۲).

- ابن ابی داود می‌نویسد: هنگامی که رسول خدا رحلت کرد، علی علیه السلام قسم یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد، مگر برای نماز جمعه، تا قرآن را در مصحفی گردآورد و چنین کرد (ابن ابی داود، سنن ابی داود، ۱۴۲۰: ۱۰).

گلدزیهر در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی، با نقل روایاتی، می‌گوید که مصحف امام علی علیه السلام، قرآنی است که بر حسب ترتیب نزول نوشته شده، و علی علیه السلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس ترتیب نزول آن را جمع آوری کرده و این ترتیب، برخلاف مصحف عثمانی است و این قرآن دارای هفت جزء است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴: ۲۹۶-۲۹۷) هم‌چنین می‌گوید: به اعتقاد شیعیان، مصحف امام علی علیه السلام، کامل است و به عنوان میراث امامت، یکی پس از دیگری به امامان شیعه رسیده است و اکنون در دست امام مهدی منتظر علیه السلام است و روزی با همین قرآن قیام خواهد نمود (همان، ۳۰۱-۳۰۵).

وی در جای دیگر می نویسد: «شیعه اعتقاد دارد قرآن نازل شده از طرف پروردگار بسیار بزرگ تر از آن چیزی است که هم اکنون در میان مسلمانان است، بر این اساس سوره احزاب که اکنون ۷۳ آیه است، در اصل چیزی کم تر از سوره بقره که ۲۸۶ آیه است، نبوده و سوره نور که اکنون ۶۴ آیه دارد، قبل از آن دارای بیش از یکصد آیه بوده است و سوره حجر که اکنون ۹۹ آیه دارد در اصل ۱۹۰ آیه داشته است» (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۹: ۲۴۹).

جان برتن (John Burton) در مورد اختلاف مصحف ها بعد از پیامبر اکرم ﷺ نظری مشابهی گلدزیهر دارد و می گوید: «گزارش ها در باب جمع مصحف گویای اختلافاتی نسبت به اتمام یا نقصان آن است... به دنبال رحلت پیامبر جنگ های داخلی در گرفت و افرادی که حافظ بسیاری از سوره های قرآن بودند، کشته شدند، آن سوره ها، نوشته نشده بودند و جانشینان پیامبر نیز آن ها را جمع نکرده بودند در نتیجه آن سوره ها از بین رفت و این امر مسلمانان را واداشت تا در پی جمع آوری قرآن برآیند» (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ گذاری، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

شرق شناس دیگری به نام اف بول می گوید: شیعیان اصرار می ورزند که اهل سنت آیاتی از قرآن را که مؤید مذهب شیعه است حذف نموده و به آن افزوده اند، چنان که اهل سنت هم همین ادعا را نسبت به شیعه دارند (بول، دایرة المعارف الاسلامیه، ۱۹۹۸: ۶۰۸/۴).

آیت الله فاضل لنکرانی در بررسی و نقد نظریات مستشرقان در مورد مصحف امام علی (علیه السلام)، چنین می نویسد: بدون تردید، قرآن امیرالمؤمنین از نظر ترتیب سوره ها با قرآن فعلی تفاوت داشته است. سیوطی در الاتقان می آورد که قرآن علی (علیه السلام) بر اساس ترتیب نزول سوره ها یعنی در ابتدا المدثر، سپس المزمّل، تبت، کوثر و سپس سوره های مکی، مدنی تنظیم شده است. سپس می نویسد: ترتیب آیات به دستور رسول خدا و بر اساس وحی جبرئیل صورت گرفته که اصطلاحاً این امر را توقیفی می گویند و تعبیر سوره این امر را تأیید می کند، زیرا سوره به معنای مجموعه آیاتی است منظم که مشتمل بر مقصود، موضوع یا موضوع متعدد اما مرتبط با هم است. و احکام مترتب بر سوره در نمازهای واجب پس از حمد، با نظریه احتمالی متفرق بودن آیات و عدم وضوح آن، هم خوانی ندارد (فاضل لنکرانی، المدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۳۹۷-۳۹۹) و تفاوتی که میان قرآن امام علی (علیه السلام) با سایر قرآن ها وجود دارد، اختلاف در ترتیب سوره ها است، و البته تفاوت دیگری که نشان می دهد قرآن حضرت، دارای شأن نزول و تفسیر بوده است. (همان، ۴۰۰) و امتیاز قرآن امیرالمؤمنین در این مسئله بود که تنزیل، تأویل، محکم، متشابه، ناسخ و منسوخ، همگی در نزد مصحف علی (علیه السلام) وجود داشت اما قرآن حضرت، آیه ای بیش از آیات موجود در قرآن فعلی نداشته است (همان).

لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که این شبهه نیز باطل است، و قرآنی که امروزه رایج است، همان نسخه متواتر منطبق بر حقیقت است، و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز به همین قرآن استناد می‌کرده‌اند، و امام علی علیه‌السلام همین قرآن را جمع آوری فرموده بودند، و تنها شأن نزول و تفسیر آن را هم آورده بودند و ترتیب نزول سوره‌ها نیز در آن قید شده بود (حجتی کرمانی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۹۵: ۳۸۵-۴۱۳).

سرمولیوم از بزرگان مستشرقان، نیز در صحت مصحف عثمانی تردیدی ندارد و ادعای اجماع مسلمین بر اینکه مصحف علی علیه‌السلام همان مصحف گردآوری شده در زمان عثمان است را ثابت می‌کند، وی می‌نویسد: به جرأت می‌توان گفت که به طور کلی هیچ‌گونه تغییر و تصحیفی در نسخه‌های بی‌شمار قرآن که بر اساس مصحف عثمانی استنساخ شده‌اند، پدید نیامده است (دراز، مدخل الی القرآن الکریم، ۱۴۰۰: ۴۰) اما باید توجه داشت کاری که عثمان انجام داد، جمع مسلمانان بر یک قرائت بود (زنجان، تاریخ القرآن، ۱۴۰۴: ۷۲).

- روایات دال بر تحریف قرآن

دسته‌ای از روایات متواتر وجود دارند در حالی که اکثریت آن‌ها از سند بسیار ضعیفی برخوردار هستند، دال بر این که تحریف در قرآن رخ داده است که در این قسمت از نوشتار، برخی از روایات را آورده و با توجه نظر آیت الله فاضل لنکرانی به این شبهه پاسخ می‌دهیم:

- عن أبي جعفر عليه السلام إنه قال: «ما يستطيع أحد أن يدعى أن عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الأوصياء» (کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۱/۲۲۸) با توجه به این روایت، قائلین به تحریف می‌گویند: همه قرآن نزد امام معصوم است و همه آن نزد ما نیست، پس بخشی از آن افتاده است.

در نقد معنای استنباطی از این روایت می‌توان گفت که منظور از جمیع القرآن، ظاهر و باطن است چنان که در متن روایت نیز آمده است، و این مطلب دلالت بر تحریف قرآن فعلی نیست، بلکه می‌تواند به معنای در دسترس بودن ظاهر قرآن، اما باطن، فهم و استنباط آن متفاوت و مختلف می‌باشد.

آیت الله فاضل در این زمینه می‌نویسد: منظور در این روایات، این نیست که معتقدند بخشی از آیات و کلمات حذف شده است، بلکه بدین معناست که از آیات، معانی غیر واقعی استنباط شود و فضایل اهل بیت انکار و با آن‌ها دشمنی و خصومت می‌شود (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۴۰۵). و به فرض اگر تحریف قرآن را نیز بپذیریم، آیا می‌توان چنین عمل منکری را که توسط رهبران قومی صورت گرفته، به تمام افراد آن نسبت داد؟ در نتیجه این روایات، استنباط معانی نادرست از آیات را متذکر شده که به انکار فضایل اهل بیت و عدم پیروی از خط مشی آن‌ها انجامیده است و غیر از این، مفهومی برای تحریف قرآن قابل تصور نیست (همان، ۴۰۶).

- در برخی دیگر از این دسته از روایات، آمده است که آن چه به مناقب و فضایل و ولایت اهل بیت علیهم السلام نسبت داده شده است، از آیات حذف شده است، و یا حتی نام امامان معصوم در بعضی از آیات قرآن وجود داشته که حذف شده است، مانند:

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) فِي وَلايَةِ عَلِيِّ وَوَلايَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ (فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا) هَكَذَا نَزَلَتْ» (كلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۱۴).

«أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ عَنْ بَكَّارٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ هَكَذَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ) فِي عَلِيِّ (لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ)» (همان، ۱/ ۴۲۴).

وجه دلالت بر تحریف وجود واژه نزول است و «فی علی» از این آیه افتاده است. در مقام نقد این دسته روایات می توان گفت که نزول صرفاً به معنای نزول ظاهر قرآن نیست، و شامل معنای قرآن (تفسیر و تأویل) نیز می شود که آیت الله خوئی در البیان فی تفسیر القرآن این مطلب را آورده اند (خوئی، البیان، ۱۳۹۴: ۲۵۹).

کافی به نقل از محمد بن فضیل از امام سجاد علیه السلام روایت کرده که فرمود: ولایت علی بن ابیطالب در تمامی کتاب های پیامبران نوشته شده و خداوند تمام پیامبران را بر اساس نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام برگزیده است (كلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۶۳).

هم چنین کافی از علی بن ابراهیم از احمد بن محمد برقی از پدرش از محمد بن سنان از عمار بن مروان از منخل از جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند: جبریل این آیه را از این چنین بر پیامبر فرو فرستاد: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فِي عَلِيٍّ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ».^[۴] برخی از مستشرقان نیز با استناد به روایات فوق، و برخی از روایات در فصل الخطاب میرزا حسین نوری، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، التنزیل و التحریف صیرفی و...، شیعیان را به تحریف متهم کرده و می گویند انگیزه شیعیان برای ادعای تحریف، تلاشی برای تلافی ناراحتی های ناشی از برکناری علی علیه السلام از خلافت بوده است. گلدزیهر می گوید: شیعه اعتقاد دارد که در مصحف عثمانی، نسبت به قرآن نازل شده بر پیامبر تغییراتی دیده می شود مثلاً در قرآن عثمانی، سوره هایی که در فضیلت اهل بیت بود، حذف شده است مثل سوره نورین که ۴۱ آیه و سوره شیعیه که هفت آیه داشت که مربوط به ولایت علی علیه السلام و ائمه بود (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴: ۲۹۴).

گلدزیهر نیز با تفصیل بیش تری این مطلب را توضیح داده و می نویسد: شیعه از آیاتی که ادعا می کند از قرآن ساقط شده، نشانی به دست نمی دهد و به جای آن سوره هایی را می آورد که به طور کلی از قرآن عثمانی ساقط شده، زیرا این سوره مشتمل بر تمجید علی علیه السلام بوده است (همان،

۲۹۴). وی در ادامه می نویسد: در کتابخانه بانکپور هند، نسخه ای از قرآن پیدا شد که علاوه بر این سوره ها، دارای سوره نورین بود که ۴۱ آیه و سوره شیعیه بود که هفت آیه داشت (همان، ۲۹۴). البته متأسفانه ایشان در نقل، این مطالب را به هیچ منبعی مستند نمی سازد و صرفاً می گوید در کتابخانه بانکپور هند نسخه ای از قرآن پیدا شده است که در آن سوره نورین و شیعیه وجود داشت، اما این که این دو سوره از کجا وارد شد، ذکری به میان نمی آورد.

آیت الله فاضل لنکرانی در مورد ادعاهای فوق مستشرقین به بررسی و نقد ادعاهای مذکور می پردازد و چنین می نویسد: پرداخت تمامی کتب آسمانی از جمله قرآن، به مسئله امامت امیرالمؤمنین، به هیچ وجه، به معنای صرفاً ذکر نام ایشان نمی باشد، بلکه در قرآن به فضایی اشاره شده که اکمل آن مصادیق اهل بیت علیهم السلام می باشند، همان گونه که در مورد دشمنان نیز با صراحت نام آن ها ذکر نشده بلکه به اوصاف زشتی عمل آن ها پرداخته است. و لذا نتیجه می گیریم که نام امامان معصوم در قالب تشریح و توضیح آیات ذکر شده است همان گونه که در مصحف امیرالمؤمنین این موارد آمده است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۴۰۸-۴۰۹). در حالی که اگر نام حضرت علی علیه السلام با صراحت در قرآن آمده بود، به وقت احتجاج، ایشان و سایر ائمه معصومین علیهم السلام به این موضوع می پرداختند که در هیچ منبع روایی به آن اشاره نشده است. و هم چنین اگر نام علی علیه السلام در قرآن آمده بود، نیازی به اجتماع غدیر نبود تا رسول اکرم خلافت و امامت ایشان را برای مردم بیان کند (همان، ۴۰۹).

آیت الله فاضل لنکرانی در نقد آیه ذکر شده در کافی، که نام امیرالمؤمنین در آیه بوده است، چنین می نویسد: ذکر نام امام علی علیه السلام در آیه ای که می خواهد نبوت پیامبر را ثابت کند، اصلاً هیچ مناسبتی ندارد، زیرا هدف از آیه مذکور اثبات اصل نبوت است و میان این مسئله و ذکر نام علی چه تناسبی وجود دارد؟ (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۱: ۴۱۰) و می توان نتیجه گرفت که نام اهل بیت نه به شکل قرآن، بلکه به شکل تفسیری و تأویلی در قرآن وجود دارد و این شبهه نیز مرتفع می شود.

- در دسته دیگری از این روایات، آمده است که نام برخی افراد قریش، حدود ۷۰ تن در قرآن بوده که تنها نام ابولهب از آن میان باقی مانده است که از آن جمله می توان به روایت غیبت نعمانی از احمد بن هود، اشاره نمود (نعمانی، ۱۴۱۸: ۳۱۸، ح ۵ و ۸). در روایت آمده است که: شنیدم امام علی علیه السلام می فرماید: من عجم را مشاهده می کنم که در آینده در مسجد کوفه قرآن را آن گونه که نازل شده به مردم تعلیم می دهند. من گفتم ای امیرالمؤمنین آیا قرآن فعلی همان قرآن نیست؟ حضرت فرمودند: نه، زیرا نام هفتاد تن از قریش، و پدرانشان از قرآن حذف شده و تنها نام ابولهب که عموی پیامبر بود، از جهت تمسخر پیامبر، باقی گذاشته اند!

آیت الله فاضل لنکرانی در نقد این دسته از روایات می گوید: این دسته از روایات سندیت ضعیف داشته و با یکدیگر در تضاد هستند. و از طرفی ذکر نام ابولهب موجب خدشه در شخصیت پیامبر نمی شود، زیرا صرف عمو بودن، بدون وحدت اشتراک در اهداف توحید و نبوت، موجب بی اعتباری نیست. و تناقضات بسیاری از جمله این که در برخی این روایات نام هفت تن و برخی نیز ۷۰ را برشمرده اند، که جمیع این تناقضات و استدلال بسیار ضعیف آن، شبهه را رد می کند (همان، ۴۱۳).

- گروهی دیگر از روایات نیز نشان می دهند که پس از پیامبر تعدادی از کلمات قلب شده و به جای حذف شده هایی از کلمات، کلمات دیگر قرار گرفته اند که از آن جمله روایات زیر است:

- «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَرَأَ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴: ۱/۲۹).

- «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ» (همان، ۱/۱۰۰)، که از امام صادق در مورد آیه سوال شده است: آن حضرت فرمود: آیه به این شکل بوده «آل ابراهیم و آل محمد علی العالمین» و تحریف کنندگان، اسمی را جای اسم دیگر عوض کرده اند.

و سایر روایاتی که در این باب آمده است. آیت الله فاضل لنکرانی در نقد این گروه می نویسد: سند اکثر این روایات فاقد هرگونه اعتبار است و با قرآن و اجماع مسلمانان در تضاد است، زیرا مسلمانان به اتفاق، وقوع تحریف را به شکل فزونی آن مردود می دانند.

نتیجه

۱. مستشرقان در موضع گیری خود نسبت به تحریف قرآن در بسیاری موارد آشکارا و در برخی به صورت ضمنی مهر تأییدی بر این امر زده اند، چنان چه در این نوشتار موضع گیری و زوایای فکری برخی از ایشان تبیین شد.

۲. گروه بندی مستشرقان در بررسی های صورت گرفته در مورد تحریف قرآن نشان دهنده عدم اتفاق نظر ایشان و تفاوت روش و انگیزه های آن ها در این رویکرد می باشد.

۳. مستندات مستشرقان در مسئله تحریف اولاً برگرفته از منابع غیر موثق و ثانیا مغرضانه و در جهت دامن زدن به اختلافات مسلمین است. به خصوص پیش داوری هایی چون عدم سلامت متن قرآن، ابهام در مراحل کتابت قرآن، انگیزه های فرقه ای و... سبب نگاهی غیر محققانه نسبت به مسئله تحریف شده است.

۴. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی؛ در این باره به دلایل قرآنی و روایی متعددی تمسک نموده است، و وی بر این باور است هیچ تحریفی به زیاده و نقصان و جابه جایی که به اوصاف عام قرآن مانند اعجاز، هدایت و ذکر بودن آن لطمه ای بزند، صورت نگرفته است.

پی نوشت‌ها

[۱] «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» (انشقاق / ۱۹).

[۲] از علمای بزرگ مسیحی و رییس فرقه مانیکیز در قرن چهارم.

[۳] کتب اربعه عبارتند از: ۱- کافی (اصول فروع و روضه) کلینی، ۲- من لا یحضره الفقیه

شیخ صدوق، ۳- تهذیب الاحکام شیخ طوسی، و ۴- الاستبصار شیخ طوسی.

[۴] «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُنْخَلٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عليه السلام بِهَذِهِ

الآيَةِ عَلَى مُحَمَّدٍ هَكَذَا وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فِي عَلِيٍّ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ»

(کافی، ۱/ ۴۱۷).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. نهج البلاغه، تنظیم و تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: مکتبه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد، نشر فی القراءات العشر، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۵. ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و انباء ابداء الزمان، قم: نشر شریف رضی، ۱۳۶۴ ش.
۶. ابن سلام، قاسم، فضائل القرآن، تحقیق و تعلیق وهبی سلیمان خارجی، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم: نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۹. اسکندری، محمد جواد، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. اف بول، دائره المعارف الاسلامیه، تحریف، چاپ لیدن، ۱۹۹۸ م.
۱۱. انواری، جعفر، انگاره تحریف قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. الأوسی، علی، روش علامه طباطبایی در المیزان، ترجمه سید حسین میرجلیلی، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. برتون، جان، جمع قرآن، ترجمه محمدجواد اسکندری، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۴، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمان فی تفسیرالقرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. بوکای، موريس، عهدین و قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران: نشر ارشاد، ۱۳۸۶ ش.

۱۷. پورطباطبایی، سیدمجید، قرآن پژوهی گلدزیهر، مجله قرآن و مستشرقان، ش ۲، ۱۳۸۶ش.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، زهت قرآن از تحریف، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۳ش.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۲۰. حجتی کرمانی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، قم: نشر دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۲۱. حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، تهران: نشر چاپخش، ۱۳۷۵ش.
۲۲. خلیفه، محمد، المستشرقون و القرآن العظیم، القاهرة، دار الاعتصام، ۱۴۱۴ق.
۲۳. خوبی، ابوالقاسم، البیان، قم: نشر مطبوعه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ش.
۲۴. دسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، ترجمه افتخارزاده، تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۶ش.
۲۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: نشر موسسه الرساله، ۱۴۱۴ق.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، بیروت: انتشارات دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۷. رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، الرياض: دارالطیبه، ۱۴۱۳ق.
۲۸. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۲۹. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، تهران: مطبوعه سپهر، ۱۴۰۴ق.
۳۰. سجستانی، اُبی داود سلیمان بن اشعث، السنن، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۱. سعیدی مهر، محمد، گفتگوی ادیان پذیرش یا تهاجم اسلام «نقدی بر کتاب تهاجم اسلام رابرت موری» تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۷۸ش.
۳۲. سیوطی، جلال الدین الفضل عبدالرحمنم ابی بکر بن محمد، الاتقان فی العلوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. شعرانی، ابوالحسن، مقدمه منهج الصادقین لفتح الله کاشانی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۴۷ش.
۳۴. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ هفدهم، ۱۹۸۸م.

۳۵. صدوق، الاعتقادات، تصحيح عصام عبدالسيد، قم: نشر كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۹ق.
۳۶. صغير، محمد حسين على، تاريخ القرآن، بيروت: نشر دارالمورخ العربي، ۱۴۱۸ق.
۳۷. طباطبائي، محمد حسين، تفسير الميزان (دوره ۲۳ جلدی) قم: جامعة مدرسين حوزة علميه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۸. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، با تصحيح و تحقيق سيد هاشم رسولي محلاتي، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، ۱۳۷۹ق.
۳۹. طبري، محمد بن جرير، تفسير طبري، تهران: نشر توس، ۱۳۵۶ش.
۴۰. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران: مكتبه المرتضويه، ۱۳۷۵ش.
۴۱. عسكري، مرتضى، القرآن الكريم و روايات المدرستين، تهران: المجمع العلمى الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
۴۲. علم الهدى، على بن حسين، الذخيرة في علم الكلام، تحقيق سيد احمد حسيني، قم: نشر لجماعه المدرسين بقم، ۱۴۱۷ق.
۴۳. على الصغير، محمد حسين، تاريخ القرآن، بيروت: دارالمؤرخ العربي، ۱۴۲۰ق.
۴۴. على الصغير، محمد حسين، دراسات قرآنية، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۱۳ق.
۴۵. غزالي، محمد، دفاع عن العقيدة و الشريعة، ترجمه: صدر بلاغى، تهران: نشر حسينييه ارشاد، ۱۳۶۳ش.
۴۶. فاضل لنكراني، محمد، مدخل التفسير، تهران: المطبعة الحيدري، ۱۳۹۶ش.
۴۷. فخرالاسلام، محمدصادق، انيس الاعلام فى نصره الاسلام، تنظيم عبدالرحيم خلخالى، تهران: كتابفروشى مرتضوى، ۱۳۶۴ش.
۴۸. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم: نشر دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۹. فريد وجدى، دائره المعارف القرن العشرين، بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۱ق.
۵۰. فضل بن شاذان، الايضاح، تحقيق ارموى، قم: بنياد محقق طباطبائي، ۱۴۱۸ق.
۵۱. فيومى، احمد بن محمد بن على، مصباح المنير، تحقيق يوسف الشيخ محمد، بيروت: مكتبه العصريه، ۱۴۲۲ق.
۵۲. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۵۳. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، با تصحيح و تعليق سيد طيب موسوى جزايرى، قم: موسسه دارالكتاب، ۱۴۰۴ق.

۵۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، کافی (اصول، فروع و روضه)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۵۵. کمالی دزفولی، سید علی، قانون تفسیر، کتابخانه صدر، ۱۳۵۴ ش.
۵۶. گلدزیهر، اجنتس، مذاهب التفسیر الاسلامی، تعریب عبدالحلیم النجار، قاهره: مکتبه الخانجی بمصر و مکتبه المثنی بغداد، ۱۳۷۴ ش.
۵۷. مالک بن انس، الموطاء، تصحیح و تعلیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار الافاق الجدیده، ۱۴۰۳ ق.
۵۸. محمد عبدالله دراز، مدخل الی القرآن الکریم، الکویت: دارالقلم ۱۴۰۰ ق.
۵۹. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۴ ش.
۶۰. معرفت، محمدهادی، صیانه القرآن من التحریف، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ ش.
۶۱. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی (بازنویسی فارسی و خلاصه التمهید فی علوم القرآن)، موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۰ ش.
۶۲. موسوی، علی، نصوص فی علوم القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ ش.
۶۳. نجار، عبدالوهاب، قصص الانبیاء، قم: نشر مجمع آموزش عالی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۲ ش.
۶۴. نجارزادگان، فتح الله، تحریف ناپذیری قرآن، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۴ ش.
۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، با تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۴۱۸ ق.
۶۶. نوری، میرزا حسین (محدث نوری)، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، نجف: بی نا، ۱۲۹۲ ق.
۶۷. نولدکه، تاریخ القرآن، بیروت: دارالنشر جورج تالمز، ۲۰۰۴ م.
۶۸. هلکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران: ناشر تکراری اساطیر، ۱۳۸۳ ش.
69. Newby, Gordon Darnell, Forgery in Encyclopedia of Quran edited by: Jane Dammen McAuliff. Brill, Leiden – Boston, 2004.